

## رمزگشایی معانی عرفانی رنگ در نگاره‌هایی از هفت گنبد (براساس آراء حکیمان اسلامی)\*

جلال‌الدین سلطان کاشفی<sup>۱</sup>، سمیه صفاری احمدآباد<sup>۲</sup>، محمدرضا شریف زاده<sup>۳</sup>

۱- دانشیار دانشکده هنرهای تجسمی دانشگاه هنر تهران

۲- دانشجوی دکتری فلسفه هنر، دانشکده هنر و معماری تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی

۳- استادیار، دانشکده هنر و معماری آزاد واحد تهران مرکز

### چکیده

جهان هستی از دیدگاه هنرمندان مسلمان سرشار از نشانه‌ها و آیه‌های خداوندی است. رنگ‌ها نیز از جمله تجلی‌های آفریدگار در عالم امکان هستند. در واقع مبحث رمزگشایی معانی رنگ‌ها، خود مکاشفه‌ای از صورت‌های گوناگون وجود در دنیای مثالی قلمداد می‌شود که موجب اتصال انسان به حقیقتی ماورائی می‌گردد. بر این اساس به جرأت می‌توان گفت که نگارگران مسلمان نیز از وجه مادی و جسمانی صرف رنگ‌ها رهایی می‌یابند و قدم به عرصه ارزش‌های قدسی و روحانی می‌گذارند. لذا انگیزه و هدف اصلی این نوشتار، رمزگشایی معانی عرفانی رنگ‌ها از منظر حکیمان مسلمان و تطبیق آن در نگاره‌های «هفت گنبد» با توجه به اشعار نظامی است. بر پایه یافته‌های تحقیق نگارگران ایرانی تحت تاثیر بینش اسلامی و حکمت نوری ایران باستان حقیقت مثالی رنگ‌ها را چونان کمالی مطلق نمایان می‌سازند. لذا پرسشی که این پژوهش براساس آن گرفته این است که، آیا با بررسی آراء حکیمان اسلامی می‌توان به رابطه رمزی رنگ‌ها در عرفان و نگارگری ایرانی پی برد؟ سرانجام با توجه به یافته‌های این تحقیق نتیجه حاصل شده چنین است که؛ هنرمند نگارگر مسلمان همانند یک عارف از نظریه‌های عرفانی حکیمان اسلامی بهره می‌گیرد و با حضوری اشراقی رنگ‌های حاکم بر نگاره را با رمزهای عرفانی موضوع اثر می‌آمیزد تا از این رهگذر در جهت وصل، اتصال و رهایی از غربت و رسیدن به قرب در عالم مثال بهره گیرد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است و گردآوری منابع نیز کتابخانه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: هفت گنبد نظامی، نور مجرد، رنگ‌شناسی عرفانی - اسلامی، نگارگری ایرانی

1. Email: j\_soltankashefi@yahoo.com
2. Email: saffari\_somayeh@yahoo.com
3. Email: moh.sharifzadeh@iauctb.ac.ir

## مقدمه

که در مسیر حکایت با رنگ‌ها اتفاق می‌افتد حرکتی از تاریکی به روشنایی و از ظلمت به نور را نشان می‌دهد. لذا این نوشتار در پی پاسخ‌گویی به سوال‌ها و رد یا اثبات فرضیه‌های زیر می‌باشد.

## سؤال‌های تحقیق

- آیا با بررسی نظریه‌های حکیمان اسلامی می‌توان به رابطه رمزی رنگ در نگارگری و عالم عرفان پی برد؟  
- آیا هر بهره از آگاهی در مراحل سیر و سلوک عرفانی بهرام با رنگی خاص به ظهور می‌رسد؟

## فرضیه‌های تحقیق

- رمزشناسی رنگ در نگاره‌های «هفت گنبد» حامل پیامی درونی است که مراتب وجود را در عالم عرفان نمایان می‌سازد، پس می‌توان پذیرفت که نگارگران ایرانی از چنین بینش و اندیشه‌ای؛ در بسیاری از آثارشان بهره می‌گیرند.  
- حرکت رنگ‌ها در نگاره‌های «هفت گنبد» نشانه و رمزی از مراتب سیر و سلوک عرفانی بهرام است و هر یک از رنگ‌ها بیانگر مفهومی خاص هستند.

## ضرورت تحقیق

آن چه ضرورت تلاش به منظور رمزگشایی معانی عرفانی رنگ در نگاره‌های هفت گنبد را آشکار می‌نماید، نگاه ویژه عرفای اسلامی به رنگ در مراتب سیر و سلوک است، از آن رو که در نتایج این پژوهش رویکرد نگارگر مسلمان ایرانی با شیوه نگرش عارف در یک امتداد قرار می‌گیرد بنابراین درک بهتری از کاربرد رنگ در هنر و نگارگری اسلامی صورت می‌پذیرد، بدین سبب انجام این تحقیق ضروری به نظر می‌آید.

## پیشینه تحقیق

مقوله رمزگشایی رنگ بر پایه آراء حکیمان اسلامی در نگاره‌های «هفت گنبد» تاکنون به عنوان موضوعی واحد مورد پژوهش و بررسی قرار نگرفته و آن چه وجود دارد بیشتر مربوط به

رمزگشایی رنگ به پیشینه فرهنگی و باورهای دیرینه در هر قوم باز می‌گردد که اغلب با پندارهای اسطوره‌ای و مفاهیم عرفانی خاص آن‌ها در پیوند قرار می‌گیرد. نزد عارفان، حکیمان و هنرمندان مسلمان هر امر محسوسی دارای دو وجه می‌باشد. یکی عالم صورت که عیان است و دیگری عالم معنا و رمز که ورای صورت‌هاست و جهت دیدن آن چشم دل و دیدگاه شهودی لازم است؛ براین اساس با توجه به تجربه‌های شخصی و شهودی عرفا و ناتوانی واژه‌ها در توضیح مکاشفه‌های روحانی، ضرورت استفاده از ظرفیت‌هایی که جانشین زبان می‌باشند، بسیار مهم می‌شود. از راه‌هایی که به وسیله آن عارفان و هنرمندان می‌توانند تجربه‌های خود را منتقل سازند، استفاده از استعاره و نماد است. رنگ‌ها از جمله نمادهایی هستند که همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در القای مفاهیم و معانی عرفانی و دینی بر عهده داشته‌اند و تاویل آن‌ها در فرهنگ اسلامی - ایرانی حرکتی از ظاهر به باطن را به نمایش می‌گذارد. رنگ کیفیتی است که بر قوه بینایی ظاهر می‌شود. این معنی در دنیای مادی شکل می‌گیرد، اما در عالم مثال؛ رنگ‌ها با عنصر لطیفه نور قابل رویت می‌گردند به عبارتی آن‌ها جلوه‌های عینی نور محسوب می‌شوند که نقشی مهم در عرفان و نگارگری اسلامی - ایرانی بر عهده می‌گیرند. لذا تاویل رنگ در این پژوهش ابتدا بر پایه آراء حکیمان مسلمانی چون نجم‌الدین کبری، نجم‌الدین رازی و علاءالدوله سمنانی صورت می‌پذیرد، سپس مسیر عرفانی حرکت رنگ در نگاره‌هایی از «هفت گنبد» براساس آراء ایشان مورد بررسی قرار می‌گیرد زیرا هماهنگی رنگ‌های ناب به کاررفته در این نگاره‌ها و اشعار نظامی آ با رمزهای بیان شده در - مراحل سیر و سلوک عارف - بسیار همخوان به نظر می‌آید.

«هفت گنبد» یا «هفت پیکر» چهارمین منظومه نظامی است، این منظومه روایتگر پادشاهی بهرام پنجم ساسانی یا همان بهرام گور است. ماهیت این حکایت به قصد هویت‌یابی شخصیت بهرام سروده شده است. نکته مورد توجه این است که روایت «هفت گنبد» و نگاره‌های مصورسازی شده از آن با مقوله رمزگشایی عرفانی رنگ بسیار همخوان و هماهنگ می‌باشد، زیرا حرکتی

رمزشناسی کلی نور و رنگ در نگارگری یا عرفان و تصوف است به عنوان مثال عالمان فرزانه‌ای چون هانری کربن در کتاب‌های «واقع انگاری رنگ‌ها و علم میزان» و «انسان نورانی در تصوف ایرانی»، تیتوس بور کهارت و سیدحسین نصر در «مجموعه مقالات جاودانگی هنر»، حسن بلخاری در کتاب با ارزش «مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی، کیمیای خیال» پژوهش‌های با ارزشی در این زمینه انجام داده‌اند و آراء حکیمان اسلامی چون نجم‌الدین کبری، نجم‌الدین رازی و علاءالدوله سمنانی را در ارتباط با عرفان رنگ‌ها مطرح و بررسی نموده‌اند لیکن هدفی که در این مقاله دنبال می‌شود را مورد پژوهش قرار نداده‌اند. با این وصف قابل ذکر است که این نوشتار از آراء ایشان به منظور رمزگشایی رنگ‌ها در نگاره‌های «هفت گنبد» و ارتباط آن با مراحل سیر و سلوک عرفانی بهرام، بهره گرفته است.

#### اهداف کلی تحقیق

هدف اصلی این تحقیق بررسی زبان رمزی مرتبه‌های رنگی در نگاره‌های «هفت گنبد» بر پایه آراء حکیمان و عارفان مسلمان است.

#### روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و گردآوری منابع و اطلاعات لازم، کتابخانه‌ای می‌باشد.

#### نگاهی به رمز شناسی نور در حکمت ایرانی - اسلامی

در فرهنگ ایران از زمان باستان نور جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده و همواره تلقی خاصی از آن موجود بوده است، در کتیبه‌های نقش رستم، تصاویر چلیپایی روی سفال‌های قبل از دوران اسلامی و دیگر آثار باستانی، به زیبایی اندیشه ایرانیان نسبت به نور آشکار می‌گردد.<sup>۳</sup> «نوری که در حکمت دیرین ایرانیان خورنه<sup>۴</sup> نامیده می‌شود، خورنه نوری است که از عالم جبروت ساطع می‌گردد و به معرفت آن انسان‌ها توانا می‌شوند» (خاتمی، ۱۳۹۰: ۲۲). نزد ایرانیان خورشید و نور ساطع از آن همیشه محترم و علامتی از تقدس بوده است، در آیین زرتشتی،

مانویت و دین اسلام طلب نور و اشراق آن ارزش والایی دارد. بی‌واسطه‌ترین سخن در رابطه با مبداء نور در جهان اسلام کلام الهی در سوره نور است که در آن بیان شده: «خداوند نور آسمان‌ها و زمین است» (سوره نور، آیه ۳۵).<sup>۵</sup> در تفسیر این آیه چنین آمده: «وجود تنها از آن خداوندی است که به تمامی نور است و این نور دارای مرتبه‌هایی است که در امثال و صورتهای ظهور می‌نماید» (بلخاری، ۱۳۹۰: ۳۴۵). براین اساس، وجود نور در نظریه‌های حکیمان اسلامی بر پایه آیه‌های قرآنی صورتی تاویلی می‌یابد، آنان معتقدند ذات باری تعالی به صورت نور مجرد جلوه می‌نماید، علاوه بر این صورتهای مثالی یا همان عالم هورقلیاً<sup>۶</sup> نیز از جنس نور هستند؛ همانا مهم‌ترین مرجع در زمینه نورشناسی ایرانی - اسلامی، آراء شیخ اشراق<sup>۷</sup> است. حکمت اشراقی مشاهده‌ای باطنی و رمزی از عالم روحانی و جهان روشنایی است این نظریه مبتنی بر ظهور انوار عقلی بر نفوس، هنگام تجرد نفوس از علائق مادی است چرا که مینا و محور حکمت اشراقی سهروردی نور می‌باشد، براین اساس سهروردی مرتبه‌های نور را چنین بیان می‌دارد: نور ابتدا با نورالانوار که همان ذات یگانه و بی‌همتای الهی است، شروع می‌شود و پیوسته بر این عالم نور افشانی می‌نماید، مرحله بعد نور صادره از نورالانوار؛ و مشهور به نور اقرب است، وی به تاثیر از حکیمان ایران باستان این نور را بهمن می‌نامد و معتقد است که بهمن فی‌الذمه نسبت به نورالانوار فقیر است اما به دلیل اتصال آن به نورالانوار از آن نور مجرد دیگری ساطع می‌شود که از این مرحله به بعد مرتبه‌های عالم براساس یک سلسله ترتیب وجودی بر پایه معرفت و آگاهی شکل می‌گیرد. همان‌گونه که اشاره گردید یکی از مبانی فلسفه سهروردی، حکمت معنوی ایران باستان است. «حکیمان ایران باستان چنین می‌اندیشیدند که واقعیت در بن خود چیزی جز نور نیست و نور در عین حال آگاهی و حیات وجود است» (خاتمی، ۱۳۹۰: ۱۸).

بدین ترتیب می‌توان گفت که در ساخت نگارگری ایرانی نیز؛ نوری که از عالم قدس می‌آید بر روان هنرمند اشراق می‌گردد و او این حقیقت نوری را؛ با زبان رمزی رنگ‌ها بیان می‌دارد.

## رمزگشایی رنگ نزد حکیمان اسلامی

نزد حکیمان اسلامی تفکر و اندیشه همواره در چهارچوب دین یا الهام از آیه‌های الهی شکل گرفته‌است. حکیمان مسلمان برای عالم، ظاهر و باطنی قائلند و هر عیانی را رمزی از حقیقت می‌دانند. براین اساس آنان همواره سعی دارند در آراء خود از صورت و ظاهر امور، معنا و حقیقت آن را در یابند، همانند عالم نگارگری که در ورای خود صورتی تاویلی و تمثیلی را به نمایش می‌گذارد. در عرفان اسلامی رنگ‌ها اصلی‌ترین حلقه واسط بین نور و تجلی آن هستند، «نور بعد لطیف رنگ است، نور و رنگ هر دو از جنس واحد هستند و نور راز پنهان رنگ‌ها را دربردارد» (کرین، ۱۳۹۰: ۱۹۵). به عبارتی رنگ‌ها جلوه‌های عینی نور محسوب می‌گردند، به همین علت مبحث رمزگشایی نور و رنگ مهم‌ترین حلقه واسط میان عرفان و نگارگری اسلامی - ایرانی به حساب می‌آید.

شیوخ بزرگ سلسله کبرویه چون نجم‌الدین کبری<sup>۱</sup> و نجم‌الدین رازی<sup>۲</sup> و علاءالدوله سمنانی<sup>۳</sup>، عالم رنگ‌ها؛ که جنبه تجسم یافته نور هستند را بهترین نشان از حقیقت نور در مرتبه‌های وجودی می‌دانند. مشخصه اصلی سلسله کبرویه شرح احوال و مشاهداتی است که صوفیان در مراحل طریقت به آن پی می‌برند. در اندیشه آنان موضوع و مراد؛ ذات باری تعالی است و صوفی در حکم نوری است که وجودش را از ذات الهی می‌گیرد و به همین علت تلاش می‌نماید تا بار دیگر به خاستگاه خود، قبل از هبوط به زمین خاکی بازگردد.

نخستین استاد صوفی که نگرش خود را بر پدیده رنگ و احساس نورهای رنگی در حالت‌های مینوی، بنا نهاده نجم‌الدین کبری است به عقیده وی سالک ابتدا به مشاهده صورت‌هایی می‌پردازد که ریشه در جهان حسی دارند اما در مرحله بعد به رویت ذات می‌نشیند؛ ذاتی که به وسیله رنگ‌ها بر او آشکار می‌گردد (کبری، ۱۳۸۸: ۱۹). وی هفت منزل جهت سیر و سلوک عارف برمی‌شمرد و برای هر منزل رنگی خاص که احوال روحی مرید را منعکس می‌سازد در نظر می‌گیرد. به اعتقاد وی کدر بودن رنگ‌ها دلیلی بر غلبه ظلمت و صافی آن‌ها دلیلی بر وجود نور حق است. نجم‌الدین رازی، مرید و شاگرد کبری، نیز تحت تأثیر

آراء استاد خود به ذکر سیر و سلوک از طریق تمثیل رنگی نور می‌پردازد، در مکاشفه‌های او معنای عارفانه و رمزی رنگ‌ها به زیبایی نمایان می‌گردد و هر رنگ نمادی از یک مفهوم تلقی می‌شود. رازی معنای نورهای رنگین که بی تردید نگارگران مسلمان از آن‌ها در آثارشان بهره جستند را چنین بیان می‌دارد که: «نور سفید نشانه اسلام، نور زرد نشانه وفاداری و ایمان، نور آبی تیره نشانه نیک‌خواهی و احسان، نور سبز نشانه آرامش روان و نفس مطمئنه، نور آبی نیلی نشانه استواری و یقین، نور سرخ نشانه معرفت عارفانه، دانش و حکمت است» (کرین، ۱۳۸۷: ۱۵۸).

در اینجا قابل ذکر است که در آراء کبری و رازی مفهوم نورهای رنگین یکسان است، هر آن چه در رابطه با رنگ‌ها از دیدگاه رازی بیان گردید، مبین صفات جمالیه حضرت حق می‌باشد، از منظر ایشان صفات جلالیه الهی هم دارای ارزش‌های رنگی است. «همانند نور سیاه که یورش می‌آورد، تسخیر می‌کند، یا به عبارتی نابود می‌سازد و هفت طبقه دوزخ از پرتو این نور شکل می‌گیرد این همان نوری است که عقل از فهم آن عاجز و بیان از شرح آن قاصر است» (بلخاری، ۱۳۹۰: ۳۶۹). لیکن سمنانی که میراث‌دار نظریه‌های کبری و رازی در بحث نور و رنگ می‌باشد؛ نیز در تفسیر عرفانی خود به قرآن هر رنگ را نشانگر یک حالت مینوی و مرتبت وجودی سالک می‌داند. همانند رنگ‌های به کار رفته در نگاره‌های هفت گنبد؛ که هر یک با مهارت دست‌ان نگارگر به دور از هر سایه‌ای در حالتی رازآمیز و ملکوتی در پیوند با دیگر رنگ‌ها، حرکت بهرام به سوی خودشناسی را روایت می‌کنند. سمنانی حالت درونی صوفی که به ترکیب جسمانی انسان هنگام تولد نزدیک است را همانند قام سیاه کدر می‌داند از منظر وی سیاه نورانی تمثیلی از سرشت الهی سالک در عالم لاهوت، رنگ زرد نشانه روحی که نماینده خداست، رنگ سبز مرکزخداایی وجود سالک، رنگ قرمز نمادی از روحانیت درونی، رنگ آبی تمثیلی از نفس اماره و قام سفید جایگاه سیر و راز درونی صوفی است (کرین، ۱۳۸۷: ۱۷۹). بدین ترتیب چنین دریافت می‌شود که حکیمان و عارفان مسلمان مرتبه‌های نوری و ساحت وجودی را با رنگ‌های خاص برای راهیان وادی سلوک مشخص می‌نمایند.



براین اساس در ساحت نگارگری هم نوری که از عالم قدس می‌آید بر روان هنرمند اشراق می‌گردد و با زبانی رمزی توسط رنگ‌ها بیان می‌شود به عبارتی در نگاه نگارگر مسلمان نیز؛ عالم رنگ‌ها جنبه تجسم‌یافته نور در مرتبه‌های وجودی محسوب می‌گردد و هر رنگ بازتاب مرتبه‌ای خاص از خلقت و صفتهای الهی می‌شود، در واقع نور و رنگ‌های حاکم در اکثر نگاره‌های مصور شده در ایران؛ از جمله نگاره‌های «هفت گنبد» مبین این اندیشه هستند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

### رمزگشایی رنگ‌ها در نگاره‌هایی از هفت گنبد

نظامی در روایت «هفت گنبد» اشاره‌هایی مستقیم به رنگ دارد و نگاره‌های مصورسازی شده از این اشعار نیز به زیبایی این رویداد را توصیف می‌نمایند، لذا هر یک از نگاره‌ها بر پایه حکایت نظامی دارای یک رنگ غالب است، که بهرام را در مسیر خودشناسی و رسیدن به معنا یاری می‌دهد. بر این اساس مرتبه‌های رنگی بیان شده توسط نظامی در «هفت گنبد» و شیوه مصورسازی ظریف آن به وسیله نگارگران اسلامی به خوبی مراحل عروج روحانی بهرام را به نمایش می‌گذارد و در این پژوهش به صورت اجمالی خصیصه رنگ‌ها و ویژگی‌های آن‌ها در نگاره‌ها بررسی می‌گردد.

#### ۱- گنبد سیاه

بهرام در اولین روز هفته به دیدار شاهزاده خانم گنبد مشکین می‌رود و شاهزاده مطروحه حکایت «شهر مدهوشان» را برای او بازگو می‌نماید. این حکایت تداعی‌کننده اخراج آدم از بهشت و هیبوط او بر خاک و جهان مادی است. (معین، ۱۳۳۸: ۱۱۸)

حرکت بهرام به سوی خودشناسی از فام سیاه شروع می‌شود. همانند مراحل سیر و سلوک عرفانی سالک که در ابتدا وجودش آکنده از ظلمت و تاریکی است. از دید حکیمان اسلامی فام سیاه دارای معنایی دو گانه است. معنای نخست: سیاه نورانی، که خاستگاه تمامی نورها و برخلاف تاریکی اهریمنی است. «این تاریکی را عارفان شب روشنایی، سیاهی فروزان و روشنایی سیاه می‌نامند» (کربن، ۱۳۸۷: ۲۲). کبری و رازی این نور سیاه

را از عالم قهر خداوندی و مظهر صفات جلالیه الهی می‌دانند و معتقد هستند در این مرحله سالک فانی می‌گردد. سمنانی مرتبه‌ای که نمایانگر سرشت الهی در عالم لاهوت است را به این رنگ می‌شناسد، این نوع از سیاهی مقامی عالی دارد چرا که همه رنگ‌ها را جذب می‌کند و آن قدر قابل است که چیزی را پس نمی‌دهد و برای سالک مقام فنا را به همراه دارد. شیخ محمود شبستری<sup>۱۱</sup> نویسنده کتاب گلشن راز این سیاهی را نشانه غایت قرب و رنگ نور ذات الهی می‌داند. محمد لاهیجی در شرح خود بر گلشن راز می‌گوید: «سیاهی نور ذاتی است که مقتضی به فنا، و آب حیات بقاء بالله می‌باشد که موجب حیات سرمدی می‌شود» (محمد لاهیجی، محمودی، ۱۳۷۸: ۲۶). معنای دیگر فام سیاه، ظلمتی است که اشاره به تاریکی محض دارد و نشانی از نفس اماره است، کبری این تاریکی را همچون دایره بزرگ سیاهی به سان قیر می‌داند (کبری، ۱۳۸۸: ۳۵). این سیاهی اهریمنی و تنها تاریکی محض است که در این حالت نمادی از کفر و شرک محسوب می‌گردد. «خواجه عبدالله انصاری<sup>۱۲</sup>، آن را نمادی از آرزوهای نفسانی می‌داند» (نیک‌بخت، ۱۳۸۷: ۱۹۶). بنابراین در (تصویر ۱) نگارگر هماهنگ با حکایت نظامی، حاکمیت فام سیاه بر سایر رنگ‌های نگاره را به نمایش می‌گذارد و هوشیارانه در تاریکی حاکم بر اثر ساختار رنگینی جهت رسیدن به نظم در سرتاسر نگاره خلق می‌نماید و با مصورسازی بهرام در حالتی لمیده، بر بی خبری بهرام در اولین منزل وجودی تأکید می‌نماید، هنرتی کربن سیاهی نیز اولین منزل وجود را حجایی می‌داند که در برابر انوار ملکوتی حق قرار گرفته است (کربن، ۱۳۹۰: ۲۱۲). زیرا که در آراء حکیمان اسلامی این حالت از رنگ سیاه نشان آغاز پیکار عارف با نفس خویش جهت رسیدن به حقیقتی می‌باشد که با حکایت بهرام و سیر و سلوک عرفانی او در گنبد مشکین کاملاً هماهنگ است. کبری و رازی و سمنانی هر سه اعتقاد دارند که در گام‌های دگرذیسی روح، ابتدا تاریکی محض وجود دارد، که نشانی از نفس اماره است. در حکایت نظامی و نگاره گنبد سیاه در (تصویر ۱) هم، این مضمون به زیبایی نشان داده شده است به عبارتی همسویی نگاره با محتوای حکایت که نشانی از طی

طریقت در مسیر خودشناسی سالک است، تداعی کننده رمز عرفانی سالک در اولین مرتبه وجودی، نفس اماره و خود ظلمانی است که شخص بر تن آراسته، و در تطابق با نظامی، نگارگر نیز با خلاقیتی که از پرتو ظهور حقیقت دریافته از صورت مادی و جسمانی صرف رنگ، خود را رها می‌سازد و در مقام یک عارف به زیبایی اولین مرتبه از مرحله سیر و سلوک عرفانی سالک که همخوان و هماهنگ با معنای دوم رنگ سیاه است، را به نمایش می‌گذارند. در (تصویر ۱) نگارگر سیاه را در مرکز اثر، لباس بهرام، ملازمان و آسمان به صورتی دقیق و ظریف در کنار سایر رنگ‌ها در حالتی غالب نمایان می‌سازد و ذهن مخاطب را به منظور درک مضمون حکایت یاری می‌نماید، زیرا که در دل خاموشی غالب اثر، نقاط رنگینی را بسان نوری که در قلب عارف گشوده می‌گردد جهت اشاره به آغاز حرکت بهرام در مسیر خودشناسی مصور می‌سازد.

## ۲- گنبد زرد

بهرام در روز دوم هفته به دیدار شاهزاده خانم گنبد زرد می‌رود و شاهزاده مذکور حکایت «پادشاه کنیزک فروش» و «حضرت سلیمان و بلقیس» را برای او تعریف می‌نماید. مضمون هر دو حکایت نظامی در گنبد زرد، صداقت و راستگویی است. (معین، ۱۳۳۸: ۱۲۹).

یکشنبه با طلوع خورشید و رنگ زرد که نشانی از تجلی انوار الهی است، همسان شناخته شده است. «در سنت اشرافی خورشید جایگاه ویژه‌ای دارد؛ سهروردی تعظیم به خورشید را از واجبات می‌داند» (اکبری، ۱۳۸۷: ۸۴). رنگ زرد همچون سیاه؛ دارای عملکردی دوگانه است، زرد در حالت شفاف و روشن تحریک کننده فکر و آرامش دهنده اعصاب است که این مطلب در آیه ۶۹ سوره بقره به صورت واضح بیان شده است. در این آیه زرد نشانه‌ای از نشاط و مسرت معرفی می‌گردد، اما در حالت کدر بیانگر ضعف و ناتوانی است (خاتمی، ۱۳۹۰: ۱۶۷). در آیه‌های ۲۱ سوره زمر و ۲۰ سوره حدید این نوع از زرد نشانی از ضعف و پژمرده‌گی شناخته شده است. «مولانا<sup>۳</sup> در مثنوی معنوی رنگ زرد را بهترین رنگ برای عاشق و آن را نشانی از پختگی عارف

و سالک می‌داند» (نیک‌بخت، ۱۳۸۷: ۱۹۶). در (تصویر ۲) نگارگر گنبد زرد نیز، با استفاده از رنگ‌های محدود گرم اخراپی و زردی که یادآور پرتوهای انوار خورشید است، به همراه نمایش بهرام در حالتی نشسته بر فرش آبی در مرکز اثر، محتوی زیباشناختی نگاره را با مضمون حکایت که نمادی از صداقت در ایمان است، به خوبی هماهنگ می‌سازد. کبری زرد را در دو وجه معرفی می‌نماید، زرد شفاف که نشانه ایمان است، و زرد کدر که نماد ضعف و ناتوانی محسوب می‌گردد (کربن، ۱۳۸۷: ۱۸). رازی هم، در مرصادالعباد مرحله دوم از هفت شهر عشق را ایمان و به رنگ زرد می‌شناسد، وی بیان می‌دارد: «چون نور روح غلبه گیرد نوری زرد پدید می‌آید» (رازی، ۱۳۸۰: ۱۷۰). سمنانی هم، مرحله لطیفه روح که نماینده خدا است را به رنگ زرد می‌شناسد و این نور را تصفیه کننده نفس و قوی کننده دل بیان می‌دارد، با این اوصاف و با در نظر گرفتن پیوند رنگ زرد و خورشید و رابطه آن با اندیشه اشرافی و مضامین معنوی ایران باستان در رابطه با نور، بی‌شک حکایت گنبد زرد هم، تحت تاثیر این اندیشه‌ها به دنبال نشان دادن حقیقتی نورانی است که در امور متجلی می‌گردد، در اشعار نظامی رنگ زرد رمزی از خورشید تابنده‌ای است که بر پایه آراء حکیمان اشرافی چشم سالک را به نور حق روشن می‌نماید و همت، قوت قلب و ایمان عارف را؛ در سیر و سلوک عرفانی اش آشکار می‌سازد. براین اساس در (تصویر ۲) نگارگر تجربه روحی و جستجوی درونی خود از اشعار نظامی را در پرتو نور طلایی آشکار می‌سازد و با حاکمیت نور زرد، ظهور حقیقتی که پس از تاریکی و خفا به وقوع پیوسته را جلوه‌گر می‌نماید و خبر از تجلی روح بهرام می‌دهد.

## ۳- گنبد سبز

بهرام در روز سوم به دیدار شاهزاده خانم گنبد سبز می‌رود و شاهزاده مطروحه حکایت «بشر پرهیزگار و میلخای بوطنیت» را برای او تعریف می‌نماید (معین، ۱۳۳۸: ۱۴۰). مضمون این حکایت در ارتباط با راستگویی است. در اشعار نظامی روز دوشنبه منسوب به سیاره ماه است. «هانری کربن ماه

و بهشتی به نمایش می‌گذارد، گویی رنگ سبز در این حکایت به همراه سایر عناصر تصویری نگاره، نشانه‌ای از نفس مطمئنه و جان به آرامش رسیده بهرام در مسیر عروج عرفانی‌اش است.

#### ۴- گنبدسرخ

بهرام در چهارمین روز هفته به دیدار شاهزاده خانم گنبدسرخ می‌رود و شاهزاده مذکور حکایت «شاهزاده قلعه‌نشین» را برای او تعریف می‌نماید (معین، ۱۳۳۸: ۱۵۳).

رنگ سرخ همانند سیاه و زرد دارای معنایی دوگانه است. از طرفی به دلیل شباهت این رنگ با خون (مایه حیات)، نمادی از شادی و زندگی، قربانی شدن و جان فشانی در راه معشوق، آگاهی و حکمت معنوی محسوب می‌گردد و از طرفی دیگر در درجه نازل خود، نمادی از نفس حیوانی انسان، شیاطین، دیوان، جنگ و خونریزی، آتش، التهاب و جهان متلاطم است. این دوگانگی عملکرد رنگ قرمز در دین اسلام نیز به چشم می‌خورد، «حضرت محمد در روزهای عید قربان و جمعه‌ها حله سرخ می‌پوشیدند اما از طرفی دیگر خوارچ نیز که همیشه به دنبال جنگ و خونریزی بودند لباسشان به رنگ قرمز بوده است» (مددپور، ۱۳۷۸: ۴۰۵).

سهروردی هم، در حکایت رمزی عقل سرخ به دوگانگی عملکرد این رنگ اشاره دارد. وی قرمز را، محصولی از ترکیب نور سفید و سیاه می‌داند، و معتقد است: «هر سپیدی چون با سیاه آمیخته شود سرخ نماید» (سهروردی، ۱۳۷۷: ۴). عارفان اسلامی معتقدند، آن‌گاه که ظلمت نفس کمتر شود و نور روح زیادتر گردد، نور سرخ مشاهده می‌شود، کبری «نور سرخ را از علائم نفس لوّامه یا همان عقل می‌داند که به دیده چون یک خورشید سرخ رنگ بزرگ و نشانی از کران آگاهی انسان است» (کبری، ۱۳۸۸: ۴۱). رازی نیز، معتقد است مرحله موت‌الاحمر یا مرگ سرخ در عرفان؛ مرحله تسلط نفس بر شهوت است، «او رنگ قرمز را نشانه بیشتر شدن نور روح می‌داند و آن را نمایانگر شکوه خداوند بیان می‌نماید» (بلخاری، ۱۳۹۰: ۳۶۸). سمنانی هم، اندام دل یا لطیفه قلبیه را به رنگ سرخ می‌داند و معتقد است که این رنگ اشاره به مَن روحانی دارد، براین اساس در (تصویر ۴) رنگ قرمز کیفیتی عرفانی می‌یابد

را به عنوان نماد اعلاّی تحول و تکامل عارف در آسمان توحید توصیف می‌کند و مرحله‌های تحول آن را نماد مرحله‌های سلوک و رمز ریاضتی می‌داند که وجود درونی عارف را می‌گذارد» (کمالی زاده، ۱۳۸۹: ۱۸۱). رنگ سبز تمثیلی از امیدواری و تجدید حیات، تولد و زندگی، رستاخیز و آرامش است. در قرآن چندین بار به این رنگ اشاره شده‌است که نشانی از فراوانی و زنده بودن طبیعت و سرسبزی و سرزندگی و لباس بهشتیان محسوب می‌گردد. به عنوان مثال در آیه ۷۶ سوره الرحمن بیان می‌شود: «بهشتیان بر بالش‌های نگارین گران بهای سبز رنگ تکیه می‌زنند و بر فرش‌های بی‌نظیر بسیار زیبا می‌آسیند.» براین اساس نگارگر در نگاره گنبدسبز در (تصویر ۳)، سومین حکایت نظامی را مبدل به موضوعی برای مصورسازی عالمی مثالی می‌نماید که در آن حقیقت موجودات و مخلوقات برای بهرام به ظهور می‌رسد و نگارگر تمامی این مضامین را در چهره به آرامش رسیده بهرام و پیکر لمیده او در فضایی مثالی میان زنانی به تصویر می‌کشد که تمثیلی از حوریان بهشتی هستند. در (تصویر ۳) سبز نمادی از صبر و شکیبایی و بردباری و ایمان و کمال بهرام در هر منزل است. نزد مسلمانان این رنگ، مقدس محسوب می‌گردد و آن را به پیامبر اسلام نسبت می‌دهند، گنبدسبز مسجد نبی شاهی بر این مطلب است. «براساس سنت هنگام نزول وحی افق به رنگ سبز در می‌آمد. ابن هیشم در تفسیر نبوی خود می‌گوید: پروردگار عرش را از زمرد سبز خلق کرده‌است.» (نصر، ۱۳۸۹: ۷۴).

سبز نشانی از نفس مطمئنه و جان آرام گرفته و آمیزه‌ای از دانش و ایمان است و همیشه حالتی روحانی به همراه دارد. کبری «سبز را نمایانگر یقین و باور کامل و حیات قلبی سالک و استمرار آن را نشانی از تمکین می‌شناسد» (کربن، ۱۳۸۸: ۲۰). رازی نیز «سبز را رمز آرامش روان و نفس مطمئنه معرفی می‌نماید» (همان، ۱۵۸). سمنانی هم، سبز را مقام حقیقت می‌داند. همانگونه که تقدس رنگ سبز در قرآن و سایر آراء حکیمان اسلامی آمده‌است در اشعار نظامی و نگاره گنبدسبز در (تصویر ۳) نیز، این رنگ نمایانگر فضایی ملکوتی است، که مثبت اندیشی و توکل به خداوند و پرهیز از تکبر و حرکت استوار به سوی کمال را در عالمی مثالی

نگاره‌ی گنبد فیروزه در (تصویر ۵) تجسمی از حقایق معنوی است که مخاطب را به آرامشی رویایی فرامی خواند؛ براین اساس رنگ آبی در حکایت هفت گنبد نمادی از همت، توبه، روشن فکری روح و درون بهرام به همراه شکیبایی و تحمل او در مسیر خودشناسی و سلوک عرفانی اش محسوب می‌گردد که نگارگر در (تصویر ۵) با ظرافتی مثالی این مضمون را به مخاطب، جهت دعوتش به درک فضایی مملو از آرامش روحانی به دور از بندهای جهان مادی در راستای ره یافتن به سوی قلمرویی غیر زمینی منتقل می‌نماید و با مصورسازی نمادهایی چون محراب و گنبد در حاکمیت رنگ آبی، ضرب آهنگ هستی روحانی بهرام را به از مغان می‌آورد.

#### ۶- گنبد صندل

بهرام در روز پنجشنبه به دیدار شاهزاده خانم گنبد صندل می‌رود و شاهزاده مطروحه حکایت «خیرو شر» را برای او تعریف می‌نماید (معین، ۱۳۳۸: ۱۸۸).

رنگ صندل، قرمز کم رنگی مشابه رنگ خاک است، زیرا خاک کمی به سرخی متمایل است. در این حکایت گنبد صندل، منسوب به سیاره مشتری و روز پنجشنبه است. از دیدگاه کبری سیاره مشتری نشانی از همت سالک محسوب می‌گردد و در حکایت خیر و شر نیز سرانجام خیر پیروز و به دلیل درخت صندل که به وی سعادت پادشاهی و نور چشم می‌دهد، جامه‌ای هم رنگ صندل برتن می‌پوشد. رنگ صندل، گونه‌ای از رنگ قهوه‌ای محسوب می‌گردد، قهوه‌ای نشانی از پاییز و خزان و رنگ مردان پا به سن گذاشته است. در حکایت نظامی هم این رنگ نمادی از پختگی بهرام محسوب می‌شود چرا که بهرام در پیکره خیر، نیروهای شری که در درونش جای دارند را به فرمان می‌گیرد و بینا دل و روشن ضمیر دوباره به جهان بیرون چشم می‌گشاید نظامی این رنگ را رمزی از گذشت زمان و دگردیسی عارف در جهت رسیدن به ثبات و سعادت می‌داند. در (تصویر ۶) رنگ صندل و نورهای اخراپی همراه دیگر رنگ‌ها ساختاری مضمون که نمایانگر رسیدن نگارگر به خویشتن خویش است را آشکار می‌سازند زیرا که نگارگر در مقام عارفی پخته، هماهنگی از هم

و نمایانگر ورود بهرام به ابدیتی نورانی می‌گردد که در مسیر حرکت صعودی بهرام در سیر و سلوکش، نمادی از کاسته شدن ظلمت روح او دانسته می‌شود زیرا که رنگ سرخ در اشعار نظامی نمایانگر قدرت، ابتکار و اشتیاق به عمل، ایثار و جانفشانی در راه معشوق و افزایش نورانیت روح بهرام پس از طی هر منزل در مسیر خود شناسی و تسلطش بر نفس و شهوت تلقی می‌گردد که نگارگر این مضمون را بر فضای سرخ حاکم بر نگاره (تصویر ۴) مصور می‌سازد و در این راستا به شجاعت و جانفشانی بهرام در راه شناخت شکوه خداوندی اشاره می‌نماید.

#### ۵- گنبد آبی

بهرام در روز چهارشنبه به دیدار شاهزاده خانم گنبد آبی می‌رود و شاهزاده مطروحه حکایت «ماهان و دیوان» را برای او تعریف می‌نماید (معین، ۱۳۳۸: ۱۶۰).

آبی نمادی از عرفان و روشن فکری روح و درون، شکیبایی و تحمل معنویت است. «این رنگ بسته به اینکه نفس به چه حالت و مرتبه‌ای به آن دست یابد تفاوت دارد. آبی گاه به رنگ فیروزه و گاه لاجوردی است که در این حالت نماد شهود تلقی می‌گردد. در همه حال آبی رنگ توجه، بازگشت، برائت و رنگی فرارونده است که معطوف بر باطن خیال می‌باشد و بی‌قراری را آرامش می‌دهد. مرتبه‌های این رنگ بر درجه‌های ایمان، طبقه‌های آسمان معنوی، درهای روح بیکران و جاودان شدن دلالت دارد» (خاتمی، ۱۳۹۰: ۱۶۷). آبی، رنگ سوگ وصال است، از دید عرفانی این رنگ نماد کسانی است که از ظلمت دنیا به واسطه توبه و سلوک بیرون آمده‌اند؛ ولی هنوز به نور دل و توحید نرسیده‌اند. کبری این رنگ را تمثیلی از اطمینان و باور می‌داند. رازی هم «این رنگ را نشانه نیک‌خواهی و احسان و آبی نیلی را نشانه استواری و یقین می‌داند» (بلخاری، ۱۳۸۷: ۳۶۸). سمنانی مرحله لطیفه نفسیه که به سبب آتش ذکر پدید می‌آید و موجب فنا می‌شود را به رنگ آبی می‌شناسد. بر پایه آراء حکیمان و عارفان مسلمان آبی برزخی میان رستن و پیوستن است زیرا این رنگ اولین رنگی است که در نفس نقش می‌بندد. وجود این رنگ در اشعار نظامی و



ناگسستی میان رنگ‌ها را که بهرام با تجربه هر منزل به دست آورده را مصور می‌سازد.

#### ۷- گنبدسفید

بهرام در روز آدینه به دیدار شاهزاده خانم گنبد سفید می‌رود و شاهزاده مذکور حکایت «دختر طلسم شده» را برای او تعریف می‌نماید (همان، ۲۰۵).

آخرین مرحله از سرگذشت و سیر و سلوک بهرام جهت شناسایی دنیای درونش که در نهایت منجر به آمیزش او با نور و سپیدی، کمال و تمامیت می‌شود، در گنبد سفید نشان داده می‌شود.

بهرام در سفر به دنیای درون که نقطه آغاز آن از رنگ سیاه بود، رفته‌رفته روح خود را پالایش داده و با تجربه هر منزل و رنگی خاص در نهایت به نور و سفیدی مطلق راه می‌گشاید. سفید رنگ بی‌رنگی و نمادی از برگشت مجدد انسان به بهشت است، بر پایه آیه‌های قرآنی این فام از آن جماعتی است که قلبشان صاف و عاری از کدورت و گناه و نامه اعمالشان از رقم گناه سفید و پاک است.<sup>۱۴</sup> نظامی در اشعار خود چنین اعتقاد دارد: سفیدی، رنگ روشنایی روز و بی‌تکلفی و عبادت است (نظامی، ۱۳۸۰: ۳۱۵).

سفیدی رنگی است که در عالی‌ترین مرتبه‌اش نماد وجود مطلق و در پایین‌ترین مرتبه‌اش نشانی از غلبه لطافت، صفا و پاکی بر دل است و عمدتاً صورتی از زیبایی بدین رنگ ظهور می‌یابد که متصف به این صفات و فضایل اخلاقی است» (خاتمی، ۱۳۹۰: ۱۶۴). این رنگ نمادی از وجود مطلق، نشانگر پاکی و شادی، امید و آرامش، ایمان و اطمینان و علاقه به زندگی است. کبری سفید را رنگ اسلام، کامل‌ترین دین الهی می‌داند (کبری، ۱۳۸۸: ۲۰). رازی نیز اعتقاد دارد در طی مراحل سلوک چون ظلمت نفس نماند، نور سفید حاصل می‌شود، وی هم سفید را نشانه اسلام می‌داند (بلخاری، ۱۳۹۰: ۳۶۸). سمنانی هم، اندام لطیفی که جایگاه سر و راز است را سفید فام می‌داند. از دیدگاه عارفان مسلمان، سلسله و منشاء همه طیف‌های نوری سفید است که به نوعی همان نور انوار محسوب می‌گردد. هانری کربن این رنگ را بسیط‌ترین فام و امین‌ترین حکایت از عالم برین می‌داند که در وادی عالم

قابل مشاهده است (کربن، ۱۳۹۰: ۳۱۶). عارفان به دلیل متسوب دانستن سفید به خداوند تأویلی دینی و عقیدتی نسبت به آن دارند و در مجموع آن را نشانه و رمز اسلام می‌دانند. در (تصویر ۷) که با الهام از حکایت گنبد سفید مصور گردیده، این فام، تمثیلی از غلبه صفا و پاکی در قلب بهرام و نمادی از یکی شدن او با حقیقت و ره یافتن به بهشت، در پی زودن تیرگی‌های درون و رسیدن به نور مطلق که همان مقام بی‌رنگی است، محسوب می‌گردد، بر این اساس فام سفید در مرکز نگاره (تصویر ۷) دیگر رنگ‌های اثر را، به آرامشی درونی فرا می‌خواند که همان مقام بی‌رنگی و بی‌نامی است و نگارگر در پرتو فام سفید به آن اشاره می‌نماید.

#### نتیجه‌گیری

یکی از راه‌های نشان دادن مراحل سیر و سلوک عرفانی در آراء حکیمان مسلمان استفاده از دنیای رنگ‌ها می‌باشد. به عبارتی دیگر در تأملات عرفانی آن‌ها نور و رنگ عرصه نمایش رمزی مراتب وجودی هستند، بر این اساس رنگ‌ها رمزی از غنای آفرینش و بازتابی از خزاین الهی محسوب می‌گردند. حکیمان اسلامی با برداشت شهودی از هر رنگ و گستردگی طیف‌های آن، بار معنایی خاصی برای آن‌ها در نظر می‌گیرند، به گونه‌ای که در حالتی خاص رنگی را نماد نفس و ظلمت‌های آن و در وجه دیگر مرتبه‌ای از تجلی ذات الهی می‌دانند. بر پایه یافته‌های تحقیق عالم رنگ‌ها که جنبه تجسم یافته نور هستند بهترین نشان از حقیقت نور در مرتبه‌های وجود محسوب می‌گردند به عبارتی هر رنگ، مرتبه‌ای خاص از خلقت و صفت‌های الهی را بازگو می‌نماید. نور با هبوط و نزول خود مبدل به رنگ‌هایی متنوع می‌گردد و از همین خاستگاه و هبوط است که درجه‌هایی از آگاهی معنوی و استعداد وجودی برای عارف و هنرمند حاصل می‌گردد. در روایت «هفت گنبد» شاعر و نگارگر، مراحل سیر و سلوک بهرام به منظور سفر به دنیای درون خود را توسط رنگ‌ها به نمایش در می‌آورند. در این روایت، هفت رنگ غالب وجود دارد که زمینی و مادی هستند؛ اما در اینجا وجه مادی خود را روایت نمی‌کنند و در ادراک منازل هفتگانه و گم شدن بهرام در مسیر رسیدن به معنا او را یاری



تصویر ۱: گنبدسیاه، خمسه نظامی، مکتب هرات، ۸۴۹ هجری قمری، (مأخذ: Barry.1995.236).



تصویر ۲: گنبد زرد، خمسه نظامی، مکتب شیراز، ۹۵۵ هجری قمری (مأخذ: Barry.202.1995).

می‌دهند. هر روز در حکایت «هفت گنبد» شامل یک رنگ می‌شود که در هر حکایت جایگاهی تاویلی جهت بیان معنا در مراتب سیر و سلوک؛ پیدا می‌کند.

همانگی رنگ‌های ناب به کار رفته در نگاره‌های «هفت گنبد» با رمزهای بیان شده در تصاویر و اشعار نظامی موجب گردیده، صحنه‌ها نمایانگر فضای عرفانی خاصی باشند که نگارگران را واداشته به جای استفاده از رمزهای معمول همانند شاعر، از دنیای رنگ‌ها مدد جویند و از صورت مادی و جسمانی صرف رنگ‌رهبایی یابند تا بتوانند به زیبایی مراحل سیر و سلوک عرفانی بهرام را مجسم سازند و شوق مخاطب را در جهت کشف و شهود هر وادی برانگیخته نمایند، زیرا بهرام پس از عبور از هر گنبد و تجربه‌ی رنگی خاص دگرگون و رفته رفته به سالکی حقیقت‌جو مبدل می‌شود و سرانجام به روشنی که همان رنگ سفید است می‌رسد به عبارتی ظهور هر رنگ در هر حکایت مرتبه‌ای خاص از ظهور نور در سیر و سلوک عرفانی بهرام است و نگارگران با الهام از رنگ‌های هر منزل، مرتبه‌هایی از آگاهی معنوی و استعداد وجودی را دریافت و نمایان می‌سازند زیرا هر رنگ در منازل هفتگانه معنا و رمزی خاص به همراه دارد و نمایانگر مرتبه‌ای از وجود سالک است که با صفای باطن و مکاشفه روحانی توسط هنرمند نگارگر آشکار می‌گردد، به دیگر سخن تجربه شهود رنگ در وجود نگارگر مسلمان همچون عارفی حقیقت‌جو مبدل به محملی می‌گردد که در آن حقایق هستی‌پایداری به ظهور می‌رسد که چشم جهان بین از دیدار آن قاصر است و برای دیدن آن چشم دیدار بینی لازم است و نگارگر با رسیدن به مقام شهود همچون عارفی روشن روان به ندای رنگ‌ها پاسخ می‌دهد و از آن‌ها به منظور رسیدن به کمال وجودی بهره می‌جوید.





تصویر ۵: گنبد آبی، خمسه نظامی، مکتب هرات، ۹۶۰ هجری قمری،  
(مأخذ: Barry.1995.220).



تصویر ۳: گنبد سبز، مکتب تبریز، خمسه نظامی، ۹۲۸ هجری قمری،  
(مأخذ: Barry.1995.60).



تصویر ۶: گنبد صندل، خمسه نظامی، مکتب هرات، ۹۶۰ هجری قمری،  
(مأخذ: Barry.1995.104).



تصویر ۴: گنبد سرخ، مکتب شیراز، خمسه نظامی، ۹۵۰ هجری قمری،  
(مأخذ: Barry.1995.84).

درگذشت ایشان در سال ۵۸۷ هجری در حلب است.

۸. عارف، صوفی، محدث و شاعر سده ششم هجری ملقب به کبری و کنیه او ابولخبات، او موسس سلسله کبرویه است و طریقت او طریق الکیمیا نام دارد، اثر مهم ایشان فواتح الجمال و فواتح الجلال است.

۹. شیخ ابوبکر عبدالله بن محمد شاهاور الاسدی معروف به شیخ نجم‌الدین رازی، تولد ایشان در سال ۵۷۳ هجری و وفات ایشان در سال ۶۵۴ هجری است، اثر مهم ایشان مرصادالعباد است.

۱۰. شیخ رکن‌الدین احمد بن محمد بن احمد علاءالدوله سمنانی، تولد ایشان در سال ۶۵۹ هجری و وفات ایشان در سال ۷۳۶ هجری است، اثر مهم ایشان رساله نوریه است.

۱۱. سعدالدین محمود بن امین‌الدین عبدالکریم بن یحیی شبستری، معروف به شیخ محمود شبستری از عارفان و شاعران سده هشتم هجری، تولد او در سال ۶۸۷ هجری و وفات او در سال ۷۲۰ هجری است.

۱۲. شیخ‌الاسلام ابواسماعیل عبدالله بن ابی منصور محمد معروف به پیرهرات و پیرانصار و خواجه عبدالله انصاری، تولد او در سال ۳۹۶ هجری و وفات او در سال ۴۸۱ هجری است.

۱۳. جلال‌الدین محمد بلخی مشهور به مولوی و ملقب به خداوندگار، تولد او در سال ۶۰۴ هجری و وفات او در سال ۶۷۲ قمری است.

۱۴. «روزی روهای سفید و روهای سیاه می‌گردند و اما آنان که روهایشان سیاه است آیا بعد از ایمان خود کافر شده‌اید؟ پس به سبب کفری که می‌ورزید عذاب را بچشید.» سوره آل عمران، آیه ۱۰۶. در سراسر مقاله ترجمه آیات از برگردان فارسی آقای مصطفی خرم‌دل، قرآن مجید چاپ انتشارات احسان استفاده شده است.

### فهرست منابع

- آموزگار، ژاله. (۱۳۸۷). **تاریخ اساطیر ایران**. تهران: انتشارات سمت.
- اکبری، فتحعلی. (۱۳۸۷). **درآمدی بر فلسفه اشراق**. آبادان: انتشارات آبادان.
- بلخاری، حسن. (۱۳۸۷). **عکس مه‌رویان. خیال عارفان**. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- ———. (۱۳۹۰). **مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی**.



تصویر ۷: گنبد سفید، خمسه نظامی، مکتب هرات، ۸۹۸ هجری قمری، (مأخذ: Barry, 1995: 156).

### پی‌نوشت

۱. برگرداندن لفظ به یکی از خزینه‌های وجودی شیء، خواه آن خزینه مربوط به عالم شهادت باشد و خواه به عالم غیب، چیزی را به اصل خود رساندن (ر.ک: به کرین، ۱۳۹۰، ۲۲۷).
۲. نظامی گنجوی، شاعر نامی و داستان‌سرای ایرانی در حدود سال ۵۳۵ هجری در شهر گنجه از حوالی آذربایجان مربوط تولد یافت، از آثار وی می‌توان به مخزن‌الاسرار، خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و هفت‌پیکر و اسکندرنامه اشاره کرد، تاریخ درگذشت ایشان در حدود پایان سده ششم و اوایل سده هفتم هجری است.
۳. (ر.ک: به نصرالله، بختورتاش، ۱۳۸۶، ۲۷۵).
۴. (ر.ک: به خاتمی، محمود، ۱۳۹۰: ۲۰ و آموزگار، ژاله، ۱۳۸۶: ۵۵).
۵. «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»
۶. جهانی است مینوی که هستی راستین دارد. (Hurqalya)
۷. ابوالفتح محمد بن یحیی یا ابوالفتح یحیی بن حبش بن امیرک، ملقب به شیخ شهاب‌الدین یحیی سهروردی و شیخ اشراق، تولد ایشان در حدود سال ۵۴۹ هجری در سهرورد دهکده‌ای در جنوب زنجان و



- تهران: انتشارات حوزه هنری.
- خاتمی، محمود. (۱۳۹۰). پیش در آمد فلسفه‌ای برای هنر ایرانی. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
  - سهروردی، شیخ شهاب‌الدین. (۱۳۷۴). عقل سرخ. به کوشش حسین مفید، تهران: انتشارات مولی.
  - \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷). حکمه‌الاشراق. (سعیدجعفر سجادی، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
  - شیرازی، صدرالمطالین. (۱۳۸۹). تفسیر آیه نور یا بیان مراتب آفرینش. (محمد خواجوی، مترجم). تهران: انتشارات مولی.
  - کرین، هانری. (۱۳۹۰). واقع‌انگاری رنگ‌ها و علم میزان. (انشاءالله رحمتی، مترجم). تهران: انتشارات سوفیا.
  - کرین، هانری. (۱۳۸۷). انسان نورانی در تصوف ایرانی. (فرامرز جواهری‌نیا، مترجم). تهران: انتشارات آموزگار خرد.
  - کمالی‌زاده، طاهره. (۱۳۸۹). هنر و زیبایی از دیدگاه شهاب‌الدین سهروردی. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
  - محمودی، محمد لاهیجی. (۱۳۷۷). مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، تهران.
  - محمد لاهیجی، شمس‌الدین. (۱۳۷۸). شرح گلشن راز، تصحیح محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران: انتشارات زوار.
  - معین، محمد. (۱۳۳۸). تحلیل هفت پیکر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
  - مددپور، محمد. (۱۳۷۸). حکمت انسی و زیبایی‌شناسی عرفانی هنر اسلامی. تهران: انتشارات سوره مهر.
  - نجم‌الدین رازی، عبدالله بن محمد. (۱۳۸۰). مرصادالعباد من المبدء الی المعاد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
  - نجم‌الدین کبری، احمد بن عمر. (۱۳۸۸). نسیم جلال و دیباچه جلال (فَوَائِحُ الْجَمَالِ وَ فَوَائِحُ الْجَلَالِ)، تصحیح فریتس مایر، (قاسم انصاری، مترجم). تهران: انتشارات طهوری.
  - نظامی‌گنجوی، الیاس بن محمد. (۱۳۸۰). هفت پیکر، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ چهارم، تهران: انتشارات قطره.
  - نصر، سیدحسین. (۱۳۶۱). سه حکیم مسلمان. (احمد آرام، مترجم). تهران: انتشارات شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۹). هنر و معنویت اسلامی. (رحیم قاسمیان، مترجم). تهران: انتشارات حکمت.
- نیک‌بخت، ناصر. (۱۳۸۷). «سمبولیسم نور و رنگ در عرفان ایرانی - اسلامی»، مطالعات فرهنگی، پاییز و زمستان ۲۱۲-۱۸۳.
- حسینی زاد، عبدالمجید. (۱۳۸۷). «دیدار با فرشته رنگ»، نامه هنر، شماره یک، ۴۹-۵۸.
- Barry, Michael (1995), Colour And Symbolism In Islamic Architecture, London, Paris.
- Henry, Corbin(1971), En Islam Iranien Aspects Spritual Et Philosophiques, Paris, Gallimard .
- Fritz, Meier (1957), Die Fawaih al-jamal wa fawatih al-jalal des najm ad-din al-kubra, akademie der wissenschaften und der literature, veroeffentlichungen der orientalischen kommission, Zurich.

## Decoding of the Mysticism Sense of Color in Miniature of Haft Gonbad (Based of Islamic Philosophers)

Jalaleddin Sultan Kashefi<sup>1</sup>, Somayeh Saffari Ahmadabad<sup>2</sup>, Mohammad Reza Sharif-Zadeh<sup>3</sup>

1-Associate Professor of Painting, School of Visual Arts, University of Arts Tehran

2-Ph.D. Candidate in Philosophy of Art, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, Central Tehran Branch

3-Assistant Professor, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, Central Tehran Branch

### Abstract

The world of existence from the point view of the Muslim artists is full of God's indications and signs. Colors are the manifestations marks of God in the existence world and the subject of decoding of them is the discovery of different forms of the universe in the world of instance, which results in the connection of human to an ulterior truth. Based on this theory, in the world of Islamic miniature a miniaturist is getting rid of the physical and secular face of just color and will step the domain of mysticism. Hence the real aim of this paper is decoding of the colors of each destination of the miniatures of Haft Gonbad Nezami (Nezami's Seven Dome). The main research question covering that is there a coding relationship between miniature and the domain of mysticism based on the point's view of Islamic philosophers? Considering the findings of the research, it is concluded that in the Muslim miniaturist artist's expression like as mysticism theories of Muslims philosophers, each color is manifesting an essence which indicate the connection destiny and relieving from loneliness and achieving the accession in the world of instance. The methodology of the research is data compilation, describing, mysticism analyzing of colors and compilation of library sources.

**Key words:** Single Light, Color and Mysticism, Islamic Miniature, Haft Gonbad (seven dome).

---

1- Email: : j\_SOLTANKASHEFI@yahoo.com

2- Email: saffari\_somayeh@yahoo.com

3- Email: moh.sharifzadeh@iauctb.ac.ir